

# بررسی رابطه گرایش‌های ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس دوره پیش‌دانشگاهی استان کردستان

نوشته: نصرالله عرفانی\*

کلید واژه: گرایش ارزشی، جنسیت، رشته تحصیلی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، پیش‌دانشگاهی.

## چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه گرایش‌های ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس دوره پیش‌دانشگاهی کردستان با توجه به جنسیت، رشته تحصیلی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه اولیای مدارس و دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی کردستان در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ هستند. کلیه اولیای مدارس به شیوه سرشماری و منظم همراه با، تعداد ۷۳۴ نفر از دانش‌آموزان به روش طبقه‌ای - تصادفی انتخاب شدند. همچنین با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته و سنجش دوازده ارزشی

اینگلهارت، اطلاعات لازم گردآوری شد و با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون مجذور کاو ضریب فی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بیان‌گر آن است که گرایش ارزشی بیش‌تر دانش‌آموزان، فرامادی و در مورد اولیای مدارس مادی است و بین گرایش ارزشی آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. هم‌چنین، یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که عامل جنسیت در ارتباط بین گرایش‌های ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس به صورت یک متغیر تعدیل‌کننده عمل کرده است. نتایج حاکی از آن است که گرایش ارزشی دانش‌آموزان همه رشته‌های تحصیلی فرامادی و گرایش ارزشی اولیای مدارس همه رشته‌های تحصیلی مادی است. در نهایت، یافته‌های پژوهش نشان دادند که تنها در طبقه متوسط پایگاه اجتماعی - اقتصادی، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معنی‌داری وجود دارد. در پایان این مقاله، نتایج مورد بحث قرار گرفته و ضمن اشاره به محدودیت‌های تحقیق، پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی ارائه شده است. این مقاله را جناب آقای دکتر نصرالله عرفانی عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور سنندج تهیه و در اختیار فصلنامه قرار داده‌اند که بدین وسیله از ایشان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

دفتر فصلنامه

## مقدمه

ارزش<sup>۱</sup> در لغت به معنای اهمیت مادی یا معنوی چیزهاست (مشیری، ۱۳۷۷). از نظر مفهومی، به هر چیز که به اعتبار اقتصادی، روانی، اجتماعی، اخلاقی یا زیبایی خود شایسته باشد و مورد توجه شخص قرار گیرد، ارزش اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، ارزش یک هدف اجتماعی است که دست یافتن به آن مطلوب است (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴). به نظر پیترسون<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) ارزش‌ها مفاهیمی نظری و مطلوب‌اند که بر انتخاب افراد تأثیر می‌گذارند. درباره ارزش‌ها نظریه‌پردازی‌های گوناگون صورت پذیرفته است؛ از جمله، اینگلهارت<sup>۳</sup> (۱۹۷۱) از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی، نظریه دگرگونی ارزش‌ها را تحت عنوان انقلاب آرام<sup>۴</sup> مطرح کرد. به اعتقاد او دگرگونی فرهنگی، تدریجی است و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است؛ از این رو، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند؛ در حالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ یافته و با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های مسن‌تر، جهان‌بینی متداول جوامع صنعتی دگرگون شده است. تقسیم‌بندی اینگلهارت (به نقل از وتر، ۱۳۷۳) مبتنی بر ارزش‌ها به صورت ارزش‌های مادی، فرامادی منطبق با تئوری سلسله مراتب نیازهای مزلوه<sup>۵</sup> است. اینگلهارت نیازهای زیست‌شناختی و امنیت اقتصادی و نیاز امنیتی (امنیت جانی) را به علت این‌که به طور مستقیم به حیات ارتباط دارند، به عنوان نیازهای مادی (طبیعی) در نظر گرفته و ارزش‌های متناظر بر آن‌ها را

1- Value

2- Peterson

3- Inggelhart

4- Silent revolution

5- Maslow

ارزش‌های مادی نام نهاده است. او نیازهایی شامل عزت نفس، زیباشناختی، شناختی و تحقق خویشتن را با عنوان کلی نیازهای اجتماعی و خودشکوفایی طبقه‌بندی کرده و ارزش‌های متناظر بر آن‌ها را ارزش‌های فرامادی نامیده است. اینگلهارت برای توضیح نظریه خود، سه مدل ارائه کرده است:

(۱) تأثیرات نسلی<sup>۱</sup> (گروه‌های سنی<sup>۲</sup>): بر اساس این مدل، ارزش‌های اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ بر وی حاکم بوده و اجتماعی شدن در دوران کودکی، عامل مؤثری بر ارزش‌های دوران بزرگسالی است. مطابق این الگو، به دلیل جایگزینی جمعیت، ارزش‌های حاکم بر جامعه در طول زمان تغییر می‌کند.

(۲) تأثیرات دوره‌ای<sup>۳</sup>: آثار دوره‌ای بیان‌گر این مطلب است که دوره‌های رونق و شکوفایی اقتصادی به افزایش فرامادی‌گری می‌انجامد و دوره‌های کمبود، جنگ، بحران و تورم، مادی‌گری را به دنبال دارد.

(۳) آثار سالخوردگی<sup>۴</sup> (چرخه زندگی<sup>۵</sup>): بر اساس این مدل، به دلایل زیست‌شناختی و روان‌شناختی، جوانان کمتر از پیران مادی هستند؛ اما هر چه بر سنشان افزوده می‌شود، به ناچار درست به اندازه بزرگ‌ترانشان مادی می‌شوند. در نهایت، اینگلهارت مبانی تئوریک نظریه مادی / فرامادی ارزشی را بر دو فرضیه اساسی استوار می‌سازد:

(۱) فرضیه کمیابی<sup>۱</sup>: اولویت‌های فردی بازتاب محیط اجتماعی-اقتصادی اوست؛ به نحوی که شخص بیش‌ترین ارزش‌ها را برای چیزهایی قایل می‌شود که عرضه آن‌ها نسبتاً کم است.

- 1- Generational effects
- 2- Cohort age chort
- 3- Period effects
- 4- Agging effects
- 5- Life cycle effects
- 6- Scarcity hypotheses

۲) فرضیه اجتماعی شدن<sup>۲</sup>: محیط اجتماعی - اقتصادی بر روی اولویت‌های ارزشی افراد در طول زمان به تدریج اثرگذار است بنابراین می‌توان گفت ارزش‌های اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ بر وی حاکم بوده است.

همچنین درباره ارزش‌ها، پژوهش‌های گسترده‌ای انجام گرفته که نتایج جالبی نیز در برداشته است. آلپورت<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۶۰) نشان دادند که علایق زیباشناسی، اجتماعی و دینی زنان بیش‌تر از مردان است. ساتو<sup>۴</sup> (۱۹۷۳) مشخص کرد که در دوره نوجوانی، ارزش‌های برتر جابه‌جا می‌شوند و از این جهت، میان زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. موسگراو<sup>۵</sup> (۱۹۸۴) هم دریافت که دختران بیش از پسران بر ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌کنند. موهان<sup>۶</sup> و همکاران (۱۹۸۶) نشان دادند که نوع دوستی، به نحو شایسته‌ای با سن و ارزش‌های اجتماعی و نظری همبستگی دارد.

در ایران نیز محمد اسماعیل (۱۳۷۱) دریافت که تراز اقتصادی، اجتماعی از جمله متغیرهای تأثیرگذار در میزان همبستگی ارزشی نوجوانان رابطه وجود دارد و گرایش ارزشی نوجوانان با والدینشان است. گیلک (۱۳۷۳) و تیموری (۱۳۷۸) نیز نشان دادند که بین ارزش‌های نوجوانان و والدینشان تفاوت وجود دارد. همایون‌فرد (۱۳۷۳) نتیجه‌گیری کرد که بین ارزش‌های دختران و پسران تفاوت وجود دارد. شمسیان (۱۳۷۳) نیز به نتیجه مشابهی دست یافت و ملکی (۱۳۷۵) نشان داد که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و گرایش ارزشی نوجوانان

---

1- Socialization hypotheses

2- Allport

3- Sato

4- Musgrave

5- Mohan

رابطه وجود دارد و گرایش ارزشی نوجوانان بیش‌تر مادی است. عرفانی (۱۳۸۱) نیز دریافت که سلسله مراتب نظام ارزشی دانش‌آموزان به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: نظری، سیاسی، اقتصادی، هنری، اجتماعی و مذهبی. هدف این پژوهش، شناخت و مقایسه گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس دوره پیش‌دانشگاهی کردستان است. برای نیل به این هدف، ابتدا سؤال‌های اساسی زیر مطرح شد.

- ۱) گرایش ارزشی دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی کردستان چگونه است؟
- ۲) گرایش ارزشی اولیای مدارس دوره پیش‌دانشگاهی کردستان چگونه است؟
- ۳) آیا بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس دوره پیش‌دانشگاهی کردستان، رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۴) با توجه به جنسیت، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس دوره پیش‌دانشگاهی کردستان چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۵) با توجه به رشته تحصیلی، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس دوره پیش‌دانشگاهی کردستان چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۶) با توجه به پایگاه اجتماعی-اقتصادی، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس دوره پیش‌دانشگاهی کردستان، چه رابطه‌ای وجود دارد؟

## روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را اولیای مدارس و دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی کردستان در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ تشکیل می‌دهند. کلیه اولیای مدارس به شیوه سرشماری و منظم و تعداد ۷۳۴ نفر از دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای- تصادفی انتخاب شدند و طی یک پژوهش زمینه‌یابی<sup>۱</sup> مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور گردآوری اطلاعات زمینه‌ای و

سنجش پایگاه اجتماعی- اقتصادی<sup>۱</sup> بر اساس سه شاخص ترکیبی میزان تحصیلات، منزلت شغلی و میزان درآمد ماهیانه، از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. همچنین برای مطالعه ارزش‌ها، سنجۀ دوازده ارزشی اینگلهارت به کار گرفته شد که روایی صوری<sup>۲</sup> آن به تأیید متخصصان جامعه‌شناسی رسیده و ضریب پایایی<sup>۳</sup> آن به روش بازآزمایی<sup>۴</sup> ۰/۸۲ محاسبه شده است.

پرسش‌نامه‌ها با مراجعه پرسش‌گرانی که به همین منظور آموزش دیده بودند، توسط افراد گروه مورد مطالعه تکمیل شدند؛ آن‌گاه اطلاعات به دست آمده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون مجذور کاه<sup>۵</sup> و ضریب فی<sup>۶</sup> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

اطلاعات جدول صفحه بعد بیان‌گر آن است که بر اساس متغیر جنسیت، در گروه نمونه دانش‌آموزان، درصد افراد مذکر (۶۷/۵ درصد) کمتر از درصد افراد مؤنث (۵۳/۵ درصد) است؛ در حالی که در گروه نمونه اولیای مدارس، درصد افراد مذکر (۶۰/۹ درصد) بیش‌تر از افراد مؤنث (۳۹/۱ درصد) است. همچنین، بر حسب رشته تحصیلی، توزیع افراد در گروه نمونه دانش‌آموزان به ترتیب در رشته‌های تجربی و انسانی هر یک ۳۷/۶ درصد و در ریاضی ۲۴/۸ درصد می‌باشد. این مؤلفه در گروه نمونه اولیای مدارس، به ترتیب شامل علوم انسانی ۵۴/۵ درصد علوم پایه ۳۴ درصد و سایر رشته‌ها ۱۱/۵ درصد است. در ضمن، بر اساس متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی، توزیع افراد در گروه نمونه

1- Soci- economic status

2- Face validity

3- Reliability

4- Test- retest

5- Chi- square

6- Phi- coefficient

دانش‌آموزان به ترتیب در طبقه پایین ۳۹/۸ درصد، متوسط ۵۳ درصد و بالا ۷/۲ درصد است. این مؤلفه در گروه نمونه اولیای مدارس بسته ترتیب طبقه متوسط ۱۵/۴ درصد و بالا ۸۴/۵ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب جنسیت، رشته تحصیلی و پایگاه

اجتماعی- اقتصادی

اولیای مدارس		دانش‌آموزان		گروه	
				متغیرها	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۶۰/۹٪	۱۴۲	۴۶/۵٪	۳۴۱	مذکر	جنسیت
۳۹/۱٪	۹۱	۵۳/۵٪	۷۹۳	مؤنث	
-	-	۲۴/۸٪	۱۸۲	ریاضی	رشته تحصیلی
-	-	۳۷/۶٪	۲۷۶	تجربی	
-	-	۳۷/۶٪	۲۷۶	انسانی	
۳/۴٪	۷۱	-	-	علوم پایه	
۵۴/۵٪	۱۱۴	-	-	علوم انسانی	
۱۱/۵٪	۲۴	-	-	سایر رشته‌ها	
-	-	۳۹/۸٪	۲۹۲	پایین	
۱۵/۵٪	۳۶	۵۳٪	۳۸۹	متوسط	
۸۴/۵٪	۱۹۷	۷/۲٪	۵۳	بالا	



جدول شماره ۲- گرایش ارزشی گروه نمونه در سنجۀ دوازده ارزشی اینگلهارت بر حسب

اولویت اول

اولیای مدرسه		دانش‌آموز		گروه	ارزش	گرایش
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۱۰/۳	۲۴	۱۱/۶	۸۵	۳	حفظ آهنگ بالای رشد اقتصادی	۳
۳/۹	۹	۴/۱	۳۰		وجود نیروی دفاعی قوی کشور	
۱۰/۳	۲۴	۶/۵	۴۸		حفظ نظم کشور	
۳	۷	۸/۹	۶۵		مبارزه با افزایش قیمت‌ها	
۱۵	۳۵	۴/۹	۳۶		حفظ ثبات و تعادل اقتصادی	
۷/۷	۱۸	۷/۶	۵۶		مبارزه با جرم و جنایت	
۱۰/۷	۲۵	۶/۱	۴۵	۳	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماع	۳
۰	۰	۲	۱۵۶		تلاش برای زیباسازی شهر و روستا	
۹/۴	۲۲	۲۱/۳	۱۵۶		دفاع از آزادی بیان	
۶/۹	۱۵	۷/۲	۵۳		مشارکت در تصمیم‌گیری‌های دولتی	
۵/۲	۱۲	۶/۱	۴۵		حرکت به سوی جامعه مدنی	
۱۷/۴	۴۱	۱۳/۴	۹۸		حرکت به سوی ارزشمندتر شدن علم و اندیشه	

بنابر اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲ در گروه نمونه دانش‌آموزان، گرایش ارزشی مادی ۴۳/۶ درصد و فرامادی ۵۶/۱ درصد و در گروه نمونه اولیای مدارس، گرایش ارزشی مادی ۵۰/۲ درصد و فرامادی ۴۹/۸ درصد است.

جدول شماره ۳- رابطه گرایش ارزشی دانش آموزان و اولیای مدارس

گروه	گرایش	مادی	فرامادی	جمع
دانش آموز		۳۲۰	۴۱۲	۷۳۲
		٪۴۳/۷	٪۵۶/۳	٪۱۰۰
اولیای مدرسه		۱۱۷	۱۱۵	۲۳۲
		٪۵۰/۴	٪۴۹/۶	٪۱۰۰
جمع		۴۳۷	۵۲۷	۹۶۴
		٪۴۵/۳	٪۵۴/۷	٪۱۰۰

اطلاعات جدول فوق بیان گر آن است که گرایش ارزشی دانش آموزان بیشتر فرامادی (۵۶/۳ درصد) و گرایش ارزشی اولیای مدارس مادی (۵۰/۴ درصد) است اما بین گرایش ارزشی دانش آموزان و اولیای مدرسه رابطه معنی داری وجود ندارد. تحلیل این موضوع به تفکیک متغیرهای مورد بررسی شامل جنسیت، رشته تحصیلی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی در جدول های ۴، ۵، ۶ و ۷ ارایه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جدول شماره ۴- رابطه گرایش ارزشی دانش آموزان

و اولیای مدارس بر حسب جنسیت

جنس	گروه	مادی	فرامادی	جمع
♀	دانش آموز	۱۴۸	۱۹۲	۳۴۰
		٪۴۲/۶	٪۵۶/۵	٪۱۰۰
	اولیای مدرسه	۶۰	۸۱	۱۴۱
		٪۴۲/۲	٪۵۷/۴	٪۱۰۰
	جمع	۲۰۸	۲۷۳	۴۸۱
		٪۴۳/۲	٪۵۶/۸	٪۱۰۰

جنس	گروه	مادی	فرامادی	جمع
♀	دانش‌آموز	۱۷۲	۲۲۰	۳۹۲
		٪۴۳/۹	٪۵۶/۱	٪۱۰۰
	اولیای مدرسه	۵۷	۳۴	۹۱
		٪۶۲/۶	٪۳۷/۴	٪۱۰۰
	جمع	۲۲۹	۲۵۴	۴۸۳
		٪۴۷/۴	٪۵۲/۶	٪۱۰۰

$$X^2 = 0.03 (d.f = 1, P = 0.84) : \phi = 0.00$$

$$X^2 = 10.42 (d.f = 1, P < 0.01) : \phi = -0.14$$

اطلاعات جدول شماره ۴ نشان‌گر آن است که در افراد مذکر، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ به نحوی که گرایش ارزشی بیشتر دانش‌آموزان (۵۶/۵ درصد) و اولیای مدارس (۵۷/۴ درصد) فرامادی است اما در افراد مؤنث، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معنی‌داری (P < 0.01) وجود دارد و شدت این ارتباط  $\phi = -0.14$  می‌باشد، بر این اساس، گرایش ارزشی بیشتر دانش‌آموزان فرامادی (۵۶/۱ درصد) و گرایش اولیای مدارس مادی (۶۲/۶ درصد) است.

جدول شماره ۵- رابطه گرایش ارزشی دانش‌آموزان و رشته تحصیلی

رشته	گرایش	مادی	فرامادی	جمع
ریاضی	۸۹	۹۳	۱۸۲	
	٪۴۸/۹	٪۵۱/۱	٪۱۰۰	
تجربی	۱۰۸	۱۶۷	۲۷۵	
	٪۳۹/۳	٪۶۰/۷	٪۱۰۰	
انسانی	۱۲۳	۱۵۲	۲۷۵	
	٪۴۴/۷	٪۵۵/۳	٪۱۰۰	
جمع	۳۲۰	۴۱۲	۷۳۲	
	٪۴۳/۷	٪۵۶/۳	٪۱۰۰	

$$X^2 = 4.31 (d.f = 2, P = 0.11) : \phi = -0.07$$

داده‌های جدول شماره ۵ بیان‌گر آن است که بین گرایش ارزشی و نوع رشته تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، در تمامی رشته‌های تحصیلی، گرایش ارزشی بیش‌تر دانش‌آموزان، فرامادی (۵۶/۳ درصد) است.

جدول شماره ۶- رابطه گرایش ارزشی اولیای مدارس و رشته تحصیلی

رشته	گرایش	مادی	فرامادی	جمع
علوم پایه		۲۳	۳۷	۷۰
		٪۴۷/۱	٪۵۲/۹	٪۱۰۰
علوم انسانی		۵۹	۵۵	۱۱۴
		٪۵۱/۸	٪۴۸/۲	٪۱۰۰
انسانی		۱۵	۹	۲۴
		٪۶۲/۵	٪۳۷/۵	٪۱۰۰
جمع		۱۰۷	۱۰۱	۲۰۸
		٪۵۱/۴	٪۴۸/۶	٪۱۰۰

$$X^2 = 1/69 (d.f = 2, P = 0/42); \phi = 0/59$$

اطلاعات جدول شماره ۶ بیان‌گر آن است که بین گرایش‌های ارزشی اولیای مدارس و رشته تحصیلی آنان، رابطه معنی‌داری وجود ندارد و در مجموع، گرایش ارزشی اولیای مدارس در تمامی رشته‌های تحصیلی، بیش‌تر مادی (۵۱/۴ درصد) است.

جدول شماره ۷- رابطه گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس بر حسب پایگاه

اجتماعی - اقتصادی

پایگاه	رشته	گرایش		جمع	
		مادی	فرامادی		
بالا	دانش‌آموز	۱۲۱	۱۶۹	۲۹۰	
		%۴۱/۷	%۵۸/۳	%۱۰۰	
	جمع	۱۲۱	۱۶۹	۲۹۰	
		%۴۱/۷	%۵۸/۳	%۱۰۰	
متوسط	دانش‌آموز	۱۷۱	۲۱۸	۳۸۹	
		%۴۴	%۵۶	%۱۰۰	
	اولیای مدرسه	۲۳	۱۳	۳۶	
		%۶۳/۹	%۳۶/۱	%۱۰۰	
	جمع	۱۹۴	۲۳۱	۴۲۵	
		%۴۵/۶	%۳۵/۴	%۱۰۰	
	پایین	دانش‌آموز	۲۸	۲۵	۵۳
			%۵۲/۸	%۴۷/۲	%۱۰۰
اولیای مدرسه		۹۴	۱۰۲	۱۹۶	
		%۴۸	%۵۲	%۱۰۰	
جمع		۱۲۲	۱۲۷	۲۴۹	
		%۴۹	%۵۱	%۱۰۰	

$$X^2_1 = 5/27 (d.f = 1, P < 0/05): \phi = -0/11$$

$$X^2_1 = 0/29 (d.f = 1, P = 0/52): \phi = -0/04$$

بررسی داده‌های جدول شماره ۷ بیان‌گر آن است که چون طبقه پایین اجتماعی - اقتصادی از گروه نمونه اولیای مدارس را شامل نمی‌شود، امکان مقایسه وجود ندارد. اما در طبقه متوسط پایگاه اجتماعی - اقتصادی، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معنی‌داری ( $P < 0/05$ ) وجود

دارد. شدت این ارتباط  $\phi = -0/11$  است؛ بدین ترتیب، گرایش ارزشی بیش‌تر دانش‌آموزان فرامادی (۰/۵۶) و گرایش ارزشی بیش‌تر اولیای مدارس مادی (۶۳/۹ درصد) است. همچنین در طبقه بالای اجتماعی-اقتصادی، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

## بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول، دوم و سوم، نتایج اولویت اول سنجه دوازده ارزشی اینگلهارت نشان می‌دهد که گرایش ارزشی بیش‌تر دانش‌آموزان فرامادی است که این با نتایج تحقیق ملکسی (۱۳۷۸) همخوانی ندارد. در ضمن، گرایش ارزشی اولیای مدارس مادی است و بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در تبیین این یافته، باید گفت که مطابق با مدل تأثیرات نسلی (گروه‌های سنی) اینگلهارت، گرایش ارزشی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های تکوین شخصیت‌شان حاکم بوده است. چون دانش‌آموزان در طول سال‌های شکل‌گیری شخصیت خود در شرایط نسبتاً امنی پرورش یافته‌اند، گرایش ارزشی آنان بیش‌تر فرامادی است اما اولیای مدارس، چون در طول زندگی خود شرایط جنگ را تجربه کرده و با عدم امنیت جانی و اقتصادی روبه‌رو بوده‌اند، گرایش ارزشی‌شان بیش‌تر مادی است؛ به عبارت دیگر، مطابق این مدل، گرایش ارزشی گروه‌های سنی جوان‌تر در مقایسه با همه گروه‌های سنی مسن‌تر در هر نقطه از زمان کم‌تر مادی است. همچنین، مطابق مدل تأثیرات دوره‌ای که نشان می‌دهد دوره‌های رونق و شکوفایی اقتصادی منجر به افزایش ارزش‌های فرامادی می‌شود با توجه به خاتمه جنگ و تلاش برای سازندگی و توسعه سیاسی و اقتصادی در جامعه در نتیجه فرآیند جایگزینی جمعیت، تحولی تدریجی به سوی ارزش‌های فرامادی ایجاد شده است. در عین حال باید گفت که به دلیل تورم اقتصادی و بیکاری، امکان دارد در آینده دوباره شاهد بروز ارزش‌های

مادی باشیم. به علاوه، بر اساس مدل آثار سال‌خوردگی (آثار چرخه زندگی) به دلایل زیست‌شناختی و روان‌شناختی، جوانان به طور ذاتی کم‌تر از پیران مادی هستند اما هر چه سن‌شان بالا می‌رود، به ناچار گرایش ارزشی آنان بیش‌تر مادی می‌شود. به ویژه اگر همراه با آثار دوره‌ای، شرایط اقتصادی-سیاسی جامعه بهبود نیابد، نمی‌توان انتظار داشت که با تحول جمعیت، گرایش ارزشی مادی به سمت گرایش فرامادی متحول شود؛ به عبارت دیگر، گرایش ارزشی جوانان فرامادی است اما هر قدر که سنشان بالاتر می‌رود، به گروه سنی سال‌خورده جامعه شبیه‌تر می‌شوند. از این رو گذشت یک دوره زمانی با آن‌که هر گروه در طول زمان تغییر می‌کند اما ارزش‌های کلی جامعه تغییر نمی‌یابد؛ زیرا جایگزینی جمعیت به وسیله آثار چرخه زندگی خنثا می‌شود.

در پاسخ به سؤال چهارم، یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که در افراد مذکر، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معناداری وجود ندارد؛ به نحوی که گرایش ارزشی بیش‌تر دانش‌آموزان و اولیای مدارس فرامادی است اما در افراد مؤنث، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معنی‌داری وجود دارد، به طوری که گرایش ارزشی بیش‌تر دانش‌آموزان فرامادی و گرایش ارزشی بیش‌تر اولیای مدارس مادی است؛ بنابراین، می‌توان گفت که عامل جنسیت در ارتباط بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس به صورت یک متغیر تعدیل‌کننده ایفای نقش کرده است. این نتیجه‌گیری با نتایج تحقیقاتی که بیان‌گر تفاوت‌های ارزشی مردان و زنان است، از جمله نتایج تحقیقات آلپورت و همکاران (۱۹۶۰)، ساتو (۱۹۷۳)، موسگراو (۱۹۸۴)، همایون‌فرد (۱۳۷۳)، شمسیان (۱۳۷۲) و عرفانی (۱۳۸۱) هم‌خوانی دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت علاوه بر مدل‌های سه‌گانه آثار گروه‌های سنی، دوره‌ای و چرخه سنی تئوری اینگلهارت، عامل جنسیت نیز به

عنوان یک عامل مهم می‌تواند تبیین‌کننده گرایش ارزشی باشد و در بررسی گرایش ارزشی باید توجه خاص قرار گیرد.

در پاسخ به سؤال پنجم، یافته‌های تحقیق نشان‌گر آن است که بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و نوع رشته تحصیلی آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ به نحوی که گرایش ارزشی دانش‌آموزان همه رشته‌های تحصیلی، فرامادی است. همچنین، بین گرایش ارزشی اولیای مدارس و رشته تحصیلی آنان نیز رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ به طوری که گرایش ارزشی اولیای مدارس همه رشته‌های تحصیلی مادی است. پس، می‌توان گفت رشته تحصیلی در هر دو گروه نمونه دانش‌آموزان و اولیای مدارس، متغیر اثرگذاری به شمار نمی‌رود. این یافته با نتایج تحقیق عرفانی (۱۳۸۱) که نشان می‌دهد ارزش‌های دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی متفاوت است. همخوانی ندارد؛ بنابراین، می‌توان گفت بدون توجه به نوع رشته تحصیلی، در بین دانش‌آموزان، گرایش ارزشی فرامادی و در بین اولیای مدارس، گرایش ارزشی مادی در اولویت قرار گرفته است. پس، رشته تحصیلی نمی‌تواند به عنوان یک متغیر تبیین‌کننده گرایش ارزشی عمل کند؛ به عبارت دیگر، گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس با رشته تحصیلی آنان ارتباطی ندارد.

در پاسخ به سؤال ششم، یافته‌های تحقیق مبین آن است که در طبقه متوسط پایگاه اجتماعی-اقتصادی، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به نحوی که گرایش ارزشی بیش‌تر دانش‌آموزان فرامادی و گرایش ارزشی بیش‌تر اولیای مدارس مادی است اما در طبقه بالای اجتماعی-اقتصادی، بین گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. این یافته با نتایج تحقیقاتی که به تبیین ارزش‌های افراد جامعه با توجه به خاستگاه طبقاتی آنان پرداخته‌اند، از جمله، تحقیقات



سلوین<sup>۱</sup> و هاگسترام<sup>۲</sup> (۱۹۶۰)، لپیست<sup>۳</sup> (۱۹۶۰)، کوهن<sup>۴</sup> و هاجز<sup>۵</sup> (۱۹۶۳)، هایمن<sup>۶</sup> (به نقل از هارالامبوس<sup>۷</sup>، ۱۳۶۹)، کونن<sup>۸</sup> (۱۳۷۰)، پوپ<sup>۹</sup>، تامین<sup>۱۰</sup>، فلدمن<sup>۱۱</sup>، گلداسمیت<sup>۱۲</sup>، بالتینا<sup>۱۳</sup>، ماتیوس<sup>۱۴</sup> و پروترو<sup>۱۵</sup> (به نقل از تامین، ۱۳۷۳) محمد اسماعیل (۱۳۷۱) شمسیان (۱۳۷۳)، تیموری (۱۳۷۸)، ملکی (۱۳۷۵) و عرفانی (۱۳۸۱) همخوانی دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت از جمله عوامل مهم اثرگذار بر روی گرایش ارزشی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی است. این مفهوم از کلیدی‌ترین و رایج‌ترین مفاهیم قشربندی اجتماعی به حساب می‌آید.

طبقات اجتماعی برای درک بهتر مباحث جامعه‌شناسی اهمیت زیادی دارد. از جمله، هایمن در مقاله‌ای با عنوان نظام‌های ارزشی طبقات مختلف، برداشتی اجتماعی- روان‌شناختی از تحلیل قشربندی به دست داده است و چنین نتیجه‌گیری کرده که انرژی طبقات مختلف، متفاوت است. بنابراین، در مطالعه ارزش‌های جامعه، این عامل همواره باید به عنوان یک متغیر مهم مورد توجه پژوهش‌گران قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 1- Selivin
- 2- Hagstrom
- 3- Lipset
- 4- Cohen
- 5- Hodges
- 6- Hayman
- 7- haralmboss
- 8- Cohn
- 9- Pope
- 10- Tumin
- 11- Feldman
- 12- Goldschmidt
- 13- Buletana
- 14- Mathews
- 15- Prothro

## پیشنهادها

به پژوهش‌گران علاقه‌مند در این زمینه پیشنهاد می‌شود که با مقایسه گرایش ارزشی جوانان و والدینشان، پدیده شکاف نسل‌ها را مورد مطالعه قرار دهند. گرایش ارزشی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه را بررسی کنند و به تبیین تحول ارزش‌های آنان بپردازند. گرایش ارزشی دانش‌آموزان را در ارتباط با رشد اخلاقی، باورهای دینی و اعتقادات مذهبی مطالعه کنند و با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، به بررسی آموزه‌های ارزشی بپردازند.

**همچنین به مسئولان آموزش و پرورش توصیه می‌شود:**

- ۱- چون گرایش ارزشی دانش‌آموزان فرامادی است و این مطلب نشان می‌دهد که آنان بیش‌تر به نیازهای اجتماعی و خودشکوفایی توجه دارند، باید زمینه ارضای نیازهایی چون دل‌بستگی به دیگران، احترام و زیباشناختی را فراهم آورد. همچنین با برنامه‌ریزی برای جوانان، امید به زندگی را در آنان تقویت کرد تا فارغ از دغدغه‌های اقتصادی، همواره رو به ارزش‌های فرامادی داشته باشند.
- ۲- در برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، آموزه‌های ارزشی و سوگیری این آموزه‌ها به سمت ارزش‌های فرامادی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- چون گرایش ارزشی اولیای مدارس مادی است، با بهبود شرایط شغلی و زندگی اولیای مدارس، ارزش‌های آنان به سمت ارزش‌های فرامادی گرایش یابد.
- ۴- با توجه به تفاوت ارزشی و فاصله سنی و شکاف فرهنگی بین دانش‌آموزان و اولیای مدارس، با برنامه‌ریزی صحیح موجبات هم‌خوانی گرایش ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس به سمت ارزش‌های فرامادی فراهم آید.
- ۵- چون عامل جنسیت، متغیری اثرگذار در تبیین گرایش ارزشی به شمار می‌رود، در تدوین برنامه‌های فرهنگی باید به خاستگاه ارزشی پسران و دختران توجه داشت.

۶- از آنجا که نتایج این تحقیق به تفاوت گرایش ارزشی طبقات مختلف پایگاه اجتماعی- اقتصادی اشاره دارد، با برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی، فاصله طبقاتی کاهش یابد و به خصوص، از طبقاتی کردن آموزش و پرورش جلوگیری شود.

### محدودیت‌ها

کوچکی جامعه آماری اولیای مدارس، بزرگی و پراکندگی جامعه آماری دانش‌آموزان و همچنین دشواری در انتخاب ابزار مناسب گرایش ارزشی با توجه به زمینه‌های فرهنگی افراد مورد مطالعه، از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش به شمار می‌روند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مآخذ

## الف) منابع فارسی

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳): تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول.
- تأمین، ملوین (۱۳۷۳): جامعه‌شناسی قشر بندی و نابرابری‌های اجتماعی (نظری و کاربردی)، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات توتیا، چاپ اول.
- تیموری، کاوه (۱۳۷۸): بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران، روزنامه اطلاعات، مورخه ۷۸/۱۱/۲۵، شماره ۲۱۸۴۶.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴): فرهنگ علوم رفتاری، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- شمسیان، داوود (۱۳۷۳): بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان پسر و دختر شهر تهران، مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت نوجوان و جوان در آموزش و پرورش، تهران، معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول.
- عرفانی، نصرالله (۱۳۸۱): بررسی نظام ارزشی دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان کردستان در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هجدهم، شماره ۳.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰): درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- گیلک، عبدالامیر (۱۳۷۳): بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان پسر و والدین آن‌ها، مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت نوجوان و جوان در آموزش و پرورش تهران، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول.
- محمد اسماعیل، الهه (۱۳۷۱): بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان دختر و والدین آن‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

- مشیری، مهشید (۱۳۷۷)؛ فرهنگ فارسی، تهران، نشر پیکان، چاپ اول.
- ملکی، امیر (۱۳۷۵)؛ بررسی رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هارالامبوس، مایکل (۱۳۶۹)؛ پیشرفت تحصیلی افتراقی از دیدگاه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ترجمه امان‌الله صفوی، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ششم، شماره ۲ و ۳.
- همایون‌فرد، فاطمه (۱۳۷۳)؛ مقایسه نظام ارزش‌های دختران و پسران شهرستان سمنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.

#### (ب) منابع انگلیسی

- Allport, G. W. and Vernon Philip E. and Lindzey, Gordner (1960). *Study of Values*. Boston: Houghton Mifflin Compony.
- Cohn, Albert and Hodges, Harold (1963). Characteristics of the lower Blue Collar *Social Problems, Vol. 10 (4)*.
- Inglehart, Ronald (1971). *The silent revolution: changing values and political styles among western publics*. Princeton University Press.
- Lipset, seymour martin (1960). *Working class Authoritarian Politicalman*. New York: Doubleday and Co.
- Mohan, Jitendra and Sneoran, Rams (1986). Altruistic behavior of adolescents in relation to personality and values. *Perspectives in Psychological Researchs. Vol 9 (1)*.
- Musgrave, Peter W. (1984). The moral values of some Austeralian adolescents. A Report and Discussion Austeralian Newsland *Journal of Sociology. Vol. 20 (2)*.
- Peterson, James (1976). *Counseling and values: A Philosophical Examination*. The corral, Cranston Rhode Island.
- Sato, saturo (1973). A study of interpersonal values in adolescents. *Tohoko Psychological Falia. Vol. 32 (1-4)*.
- Selivin, Hanon and hagstrom, warren, O. (1960). Determinants of support for civil liberties. *British Journal of Sociology. Vol. 11*.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی